

فصلنامه مطالعات حقوق

Journal of Legal Studies

شماره بیست و ششم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۸۷-۱۶۵ Vol 2, No 26, 2018, p 165-187

ISSN: (2538-6395)

شماره شاپا (۶۳۹۵-۲۵۳۸)

بررسی فقهی حقوق شهروندی و رابطه آن با فعالیت‌های ارتباطی

سید قاسم فضایی^۱، مهدی میرسیستانی^۲، مرتضی فرشته مقدم^۳

۱. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی؛ یگان حفاظت اداره کل زندانهای خراسان رضوی، ایران

fazaee1355@yahoo.com

۲. کارشناس حقوق، اداره کل زندانهای خراسان رضوی، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق، کانون اصلاح و تربیت مشهد مقدس، ایران

morteza.moghadam1699@gmail.com

چکیده

هدف اصلی این تحقیق بررسی فقهی حقوق شهروندی و رابطه آن با فعالیت‌های ارتباطی است. در فقه اسلامی برای شهروند به عنوان عنصری از جامعه اسلامی حقوق و تکالیفی برشمرده شده است. شهروندی مفهومی است مستقر بر قوانین فطری، قوانین الهی و قوانین اجتماعی که مجموعه روابط شهری و شهروندی را سامان می‌دهد. همچنین سراسر زندگی پیامبر اکرم (ص) و امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب (ع) گواه روشن و آشکار بر حفظ حقوق شهروندی و حمایت از حقوق شهروندی و نظارت بر حقوق بشر است. براساس یک تقسیم‌بندی کلی، حقوق شهروندی شامل سه گونه؛ حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی است که حقوق مدنی خود شامل حقوق مربوط به آزادی، حقوق مربوط به مساوات و حقوق مربوط به مصونیت افراد می‌شود. آزادی بیان یا به عبارتی ارتباطات آزاد در یک اصل در قانون ایران است. در این بین هر اقدامی که به نوعی این حق را از شهروندان زایل نماید باطل و غیر قابل قبول است؛ مشروط بر اینکه این ارتباطات و صحبت‌ها نظم و امنیت کشور را به مخاطره نیاندازد. گسترش شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی باعث توسعه ارتباطات و افزایش میزان آزادی بیان در جامعه شده است که بعضاً مشکلاتی را نیز به همراه داشته است. این تحقیق یک پژوهش توصیفی است که در قالب یک تحقیق مروری به ابعاد موضوع پژوهش از دیدگاه نظریات و تحقیقات سایر محققین پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: حقوق شهروندی، حریم خصوصی، آزادی بیان، ارتباطات

مقدمه:

شهروندی^۱ همانطور که روشن است از مشتقات شهر^۲ است. شهروندی را قالب پیشرفته «شهروندی» می‌دانند. به باور برخی از کارشناسان، شهروندی هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذاشته و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به «شهروند^۳» ارتقاء یافته‌اند.

شهروندی تا پیش از این در حوزه اجتماعی شهری بررسی می‌شد اما پس از آن شهروندی مفاهیم خود را به ایالت و کشور گسترش داده‌است، اگرچه امروزه بسیاری به شهروندی جهانی نیز می‌اندیشند. شهروندی امروزه کاربردها و معانی مختلفی یافته است. شهروندی اشاره به زندگی روزمره، فعالیت‌های فردی و کسب و کار افراد اجتماع و همچنین فعالیت‌های اجتماعی ایشان دارد و بطور کلی مجموعه‌ای از رفتار و اعمال افراد است. شهروندی پویا یا شهروندی فعال در واقع از این نگرش برخاسته است.

شهروندی از این منظر، مجموعه گسترده‌ای از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. فعالیت‌هایی که اگرچه فردی باشند اما برآیند آنها به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. همچنین است مشارکتهای اقتصادی، خدمات عمومی، فعالیت‌های داوطلبانه و دیگر فعالیت‌های اجتماعی که در بهبود وضعیت زندگی همه شهروندان موثر خواهد افتاد. در واقع این نگاه ضمن اشاره به حقوق شهروندی مدون و قانونی در نگاه کلی‌تر به رفتارهای اجتماعی و اخلاقی می‌پردازد که اجتماع از شهروندان خود انتظار دارد. دریافت این مفاهیم شهروندی نیازمند فضایی مناسب برای گفت‌وگو و مشارکت مردم با نقطه نظرات متفاوت و نظارت عمومی است.

حقوق از نظر لغوی جمع حق است و آن اختیارات، توانایی‌ها و قابلیت‌هایی است که درچارچوب قانون، شرع، عرف و برای تنظیم روابط بین انسانها با یکدیگر و انسانها با دولت وضع شده است. گاهی حق عنوان عامی است که شامل همه مجعولات شارع مقدس می‌شود؛ خواه جعل تأسیسی باشد یا امضایی. حق به این اطلاق عبارت است از تحقق و ثبوت. بنابراین می‌توان گفت حقوق اسلامی دستورات شریعت است که برای تمشیت امور فردی و اجتماعی وضع شده است. (محقق داماد، ۱۳۷۶، ص ۴۷)

در اصطلاح فقه، حق نوعی مالکیت است که به‌نحو خاصی بین مالک و مملوک وجود دارد. گاهی واژه حق در مقابل ملک قرار می‌گیرد و گاه مترادف با آن و در هر دو معنا قدرتی است که برای انسان نسبت به غیر خودش جعل شده و این پایین‌ترین مرتبه ملکیت است. (آل بحر العلوم، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱، ص ۱۴)

اما حق در اصطلاح حقوق موضوعه امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند و به او توان تصرف در موضوع حق منع دیگران از تجاوز را می‌دهد. واژه «حق» به طور معمول به معنای فردی یا شخصی به کار می‌رود؛ در برابر «حقوق» که به معنای احکام است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۳۷۰ و ۳۷۲). بنابراین حق اختیاری است که قانون برای فرد به رسمیت شناخته

1. Citizenship
2. City
3. Citizen

تا بتواند عملی را انجام یا آن را ترک نماید؛ چنان که گفته می شود: حق مالکیت، حق تصرف. کاربرد واژه حق در این معنا در حقوق اسلامی سابقه دارد. (امامی، ۱۳۴۲، ج ۲، ص ۲). بعضی از حقوق دانان حفظ نظم در جامعه را مهم ترین مصلحت ها برشمرده و قواعد حقوق را مقرراتی می دانند که از طرف قوای صالح دولت تضمین شده و هدف آن استقرار صلح و نظم در اجتماع است.

حقوق شهروندی درواقع مجموعه حقوقی که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می باشند و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می کند گفته میشود. بنابراین تعریف «حقوق شهروندی» یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فردی می باشد. که چگونگی روابط مردم و دولت و موسسات شهری، و حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر را تنظیم مینماید که منشعب از حقوق اساسی در چارچوب قانون اساسی کشور است و بمنظور رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان ها در بخش کلان جامعه است. از طرف دیگر شهروند به کسی اطلاق می شود که تحت الحمایه حکومت بوده و قوانین و مقررات آن را به رسمیت بشناسد و جزو جامعه ای محسوب گردد که دولت تمام امتیازات و حقوق آن جامعه را به تمام معنی قبول داشته باشد و در واقع دولت بخشی از آن جامعه به حساب آید. واژه شهروند رامیتوان معادل واژه citizen غربی آن دانست: شهروندی موقعیتی است اجتماعی و انسانی که افراد جامعه بابرخورداری از حقوق و پذیرش تکالیف در قبال حکومت انتظارات متقابلی را از دولت برای احقاق حقوق خود بویژه در بعد خدمات دارند.

لذا هدف غائی از برپایی نظام شهروندی تأمین سعادت برای همه مراحل زندگی می باشد بدیهی است که تعدادی از این حقوق فطری و ذاتی بوده و بعضی دیگر قراردادی و عرفی هستند. مثلاً حق حیات و آزادی از جمله حقوقی هستند که همیشه همراه انسان بوده و منحصر به دیروز و امروز نبوده و نیست اما مواردی مانند حقوق کارگر و کارفرما یا حقوق تجارت و حق تعلیم و تربیت و... از جمله امور قراردادی و عرفی هستند که در هر دوره زمانی بنا به اقتضا تا روز تغییر مییابد؛ اما ذکر این نکته حائز اهمیت است که از لحاظ رعایت و اجرای حقوق نمی توان فرقی بین هیچ کدام از آنان قائل شد و باید تمامی حقوق بطور یکسان محترم شمرده شود. جوامع بشری در سیر تحول خودناگزیر شده اند حداقل حقوق را به عنوان کف مطالبات حق شهروندی پذیرفته و هر جامعه ای به اقتضاء خود تلاش کند تا این مطالب را هرچه بیشتر و با گسترش کمی و کیفی به نقطه مطلوب برسانند. بعنوان مثال لیبرال های اروپائی بدین دلیل «شهروندی» را ارزشمند می دانند که با اعطای حقوق، فضای لازم را به فرد می دهد تا فارغ از هرگونه دخالت، منافع خود را دنبال کنند و در وجه اساسی نیز در شکل دادن به نهادهای حکومتی حضور داشته باشند.

حقوق شهروندی در حقوق ایران

اصطلاح و واژه «حقوق شهروندی» برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با صدور بخشنامه رئیس وقت قوه قضائیه در ۲۰ فروردین سال ۱۳۸۳ در مورد رعایت حقوق شهروندان وارد نظام

حقوقی ایران شد. در مقدمه این بخشنامه ۱۴ بندی، خطاب به مراجع قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور اینگونه به حقوق شهروندی اشاره شد: «از آنجا که حفظ کرامت و ارزش والای انسانی و احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی در گرو اقدامات صحیح و عادلانه مسئولان قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور می‌باشد، توجه کلیه قضات شریف، ضابطین و بازجویان و ناظران زندان‌ها و بازداشتگاه‌های سراسر کشور را به نکات ذیل [منظور ۱۴ بند ذیل بخشنامه] جلب می‌نماید».

مفاد بخشنامه مذکور ناظر به رعایت برخی از حقوق شهروندان در بعد قضایی است. امتیاز مهم دیگر بخشنامه در این است که به رعایت جزئیات حقوق شهروندان در مرحله‌های مختلف قضایی از تعقیب تا صدور حکم تأکید شده است اعمال هرگونه خشونت یا بازداشت‌های اضافی بدون ضرورت، فرصت استفاده از وکیل و کارشناس برای متهمان، رعایت اخلاق و موازین اسلامی در مورد اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرائم، در جریان قرار گرفتن خانواده دستگیرشدگان، اجتناب از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان در جریان دستگیری و بازجویی، منع از بردن متهمان به اماکن نامعلوم، عدم تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته یا به متهم تعلق ندارد، ممنوعیت افشای مضمون‌نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و پرهیز از هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار، احتراز از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و اجتناب از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توفیقی متهمان» را نام برد. پس از این بخشنامه بود که مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۱۵، بخشنامه مذکور را عیناً به عنوان قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» تصویب کرد.

بنابراین نخستین قانون مربوط به حقوق شهروندی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی قانون مذکور بود که صرفاً در گستره قضایی، حقوق شهروندی را مورد حمایت قرار داد. با توجه به اهمیت این قانون، نسبت به مواردی که مستقیماً مربوط به بخشی از حقوق شهروندی بود، قانونگذار با فاصله نزدیکی یعنی ۵ ماه پس از تصویب قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اقدام به وضع مقرراتی درباره حقوق شهروندی با تصویب قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کرد. نکته حائز اهمیت در قانون برنامه چهارم توسعه این بود که دامنه شمول حقوق شهروندی علاوه بر گستره قضایی به سایر گستره‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز تعمیم یافت و مورد حمایت و توجه قرار گرفت.

قانون برنامه چهارم توسعه در ماده ۱۰۰، دولت را موظف کرده است به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسلی فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، با انضباط، با روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی،

متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن، «منشور حقوق شهروندی» را مشتمل بر محورهای ذیل تنظیم و به تصویب مراجع ذی‌ربط رساند:

الف) پرورش عمومی قانون‌مداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آیین شهروندی
ب) تأمین آزادی و صیانت از آرای مردم و تعیین آزادی در حق انتخاب‌شدن و انتخاب کردن
ج) هدایت فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به سمت فرایندهای قانون و حمایت و تضمین امنیت فعالیت‌ها و اجتماعات قانونی

د) تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان
هـ) ترویج مفاهیم وحدت‌آفرینی و احترام‌آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی
و) حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد

ز) ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه
به نظر می‌رسد منظور اساسی و اصلی قانونگذار از اینکه دولت را به موجب ماده ۱۰۰ قانون برنامه چهارم توسعه موظف به تهیه منشور حقوق شهروندی با تأکید بر محورهای ذیل آن کرده است، ایجاد، توسعه و نهادینه کردن فرهنگ شهروندی و مقدمه‌ای برای تصویب قوانین مربوط به حقوق شهروندی است.
(موسوی، ۱۳۸۹)

حقوق شهروندی در فقه اسلامی

در دین مبین اسلام برای شهروند به عنوان عنصری از جامعه اسلامی حقوق و تکالیفی برشمرده شده است. شهروندی مفهومی است مستقر بر قوانین فطری، قوانین الهی و قوانین اجتماعی که مجموعه روابط شهری و شهروندی را سامان می‌دهد. این قوانین گاه به صورت نوشته شده «قانون» و گاه قوانین نوشته نشده مورد وثوق اکثریت «عرف» می‌باشند. اما حق در اصطلاح حقوق موضوعه امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند و به او توان تصرف در موضوع حق منع دیگران از تجاوز را می‌دهد. واژه «حق» به طور معمول به معنای فردی یا شخصی به کار می‌رود؛ در برابر «حقوق» که به معنای احکام است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۳۷۰ و ۳۷۲)

بنابراین حق اختیاری است که قانون برای فرد به رسمیت شناخته تا بتواند عملی را انجام یا آن را ترک نماید؛ چنان که گفته می‌شود: حق مالکیت، حق تصرف. کاربرد واژه حق در این معنا در حقوق اسلامی سابقه دارد. (امامی، ۱۳۴۲، ج ۲، ص ۲)

هدف قواعد حقوقی براساس آن که کدام مکتب حقوقی مورد توجه قرار گرفته باشد، یکی از این سه موضوع است:

۱- بعضی از حقوق دانان حفظ نظم در جامعه را مهم ترین مصلحت‌ها برشمرده و قواعد حقوق را مقرراتی می‌دانند که از طرف قوای صالح دولت تضمین شده و هدف آن استقرار صلح و نظم در اجتماع است.

- ۲- پیروان برخی مکاتب که برای حقوق مبنای ذهنی و برتر از اراده حکومت قائل هستند، هدف حقوق را تأمین عدالت می‌دانند. به نظر آنها مهم ترین منبع حقوق، افکار و نظریات دانشمندان است.
- ۳- در نظراتی که منبع اصلی حقوق، عرف و عادت است، هدف حقوق پیشرفت تمدن و فرهنگ ملت‌هاست. (کاتوزیان، ۱۳۶۵، ص ۴۱۷-۴۱۹)

حقوق شهروندی از دیدگاه حضرت علی (ع)

اولین امام شیعیان، حضرت امیر المومنین علی (ع) حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر را بزرگ ترین حق در میان حقوق الهی ذکر فرموده و اصلاح جامعه را وابسته به اصلاح هر دو دانسته‌اند؛ چنان که اگر رهبر و مردم، هر دو به وظایف خویش عمل نمایند و حقوق طرف مقابل را پاس دارند، حق در آن جامعه عزت می‌یابد و راه‌های دین پدیدار شده و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر (ص) پایدار می‌گردد. در این صورت، مردم بر تداوم حکومت امیدوار می‌شوند و دشمن از آرزویش مأیوس می‌گردد.

امام علی (ع) در نامه خودشان به مالک می‌فرمایند: "قلب خود را از مهربانی و دوستی و لطف بر مردمان لبریز ساز و مبدا نسبت به آنان چون جانور درنده آزار کننده باشی که خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا مردم دو دسته اند، دسته ای برادر دینی تو اند و گروهی دیگر در آفرینش با تو همانند با دقت می‌توان تمام حقوق شهروند را از این جمله امام علی (ع) استخراج کرد که مردم یا با تو برادر دینی هستند یا در آفرینش با تو یکسانند و باید پذیرفت عین حقوق بشر را آن حضرت ترسیم نموده است.

سراسر زندگی پیامبر اکرم (ص) و امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب (ع) گواه روشن و آشکار بر حفظ حقوق شهروندی و حمایت از حقوق شهروندی و نظارت بر حقوق بشر است. و دلایل بسیار از پشتیبانی آن دو بزرگوار از ضعفا، بردگان، کودکان و زنان خواه قبل از بعثت خواه بعد از بعثت در دست است که قابل انکار نیست، مگر او نبود که از زنده به گور کردن دختران بر عرب آشفت و مگر سراسر زندگی علی حمایت از مستضعفان و ستم‌دیدگان نبوده است. سنت و ائمه اطهار (ع) نیز گواه آن است، بارها حضور امیرالمؤمنین علی (ع) در دادگاه در دعوی یهودی بر مالکیت زره در دادگاه و قبول ادعای یهودی را در محضر قاضی خوانده ایم. نامه حضرت به مالک اشتر گواه آشکار بر اهمیت حقوق شهروندی از دیدگاه اسلام است. ماجرای فتح مکه و اعلام آن روز بعنوان "یوم المرحمة" از طرف نبی اکرم (ص)، خانه ابوسفیان را مصون از هرگونه تعرض اعلام نمودن و نیز ماجرای آزاد ساختن اسیران به ازاء سوادآموزی در برخورد با کفار حربی از مصادیق بسیار بارز و روشن رعایت حقوق شهروندی است که در ۱۴۰۰ سال قبل توسط اسلام به بشریت عرضه گردید.

موضوع حقوق اجتماعی، عدالت، مساوات و مبارزه با ظلم و ستمگری و تجاوز، از مسائلی است که در نهج‌البلاغه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در فرامین حضرت علی (ع) بحث‌های بسیاری درخصوص انواع حقوق در جامعه بشری مطرح شده است.

خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه درباره حقوق اجتماعی است. آن حضرت در این خطبه به بیان حقوق متقابل رهبری و مردم می پردازند. در نخستین بخش این خطبه آمده است: «فقد جعل الله سبحانه لي عليكم حقاً بولايه امرکم، ولکم علی من الحق»؛ خداوند سبحان برای من بر شما به جهت سرپرستی و حکومت حقّی قرار داده و برای شما همانند حق من، حقّی تعیین فرموده است. بنابراین از نظر ایشان تعیین حقوق از جانب پروردگار است. امیرالمؤمنین (ع) در نامه خود به مالک اشتر می نویسد: «مبادا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی، امتیازی طلب نمایی.» ملاک ایشان برای انتخاب افراد در پست های مختلف حکومتی، تعهد، تخصص و تقوای آنها بود. هر کس که چنین شرایطی داشت، از طرف آن حضرت گزینش می شد و هرگز روابط جانشین ضوابط نبود؛ چنان که حضرت در نامه ای به یکی از فرمانداران خود می نویسد: «إني أقسم صادقاً لئن بلغني أنك خنت من فئ المسلمين شيئاً صغيراً أو كبيراً، لأشدنّ عليك شده تدعك قليل الوفرة»؛ به راستی به خدا سوگند یاد می کنم اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شوی».

شهروندان در جامعه مدنی اسلامی صاحب حق در تعیین سرنوشت خود و نظارت بر اراده امور و بازخواست از متصدیان امر هستند و حکومت در این جامعه خدمتگزار مردم است و در همه حال باید در برابر مردمی که خداوند او را بر سرنوشت آنان حاکم کرده، پاسخگو باشد.

احترام به حقوق بشر و رعایت حدود و ضوابط آن نتیجه طبیعی تعالیم دینی و فرمان های مذهبی ما است. پاسخگو بودن مسئولان و فرمانداران در مقابل خداوند بزرگ و مردم بارها مورد تأکید امیرمؤمنان (ع) قرار گرفته است. ایشان مسئولان را به عمل از روی تقوا و در جهت حفظ مصالح عمومی سفارش فرموده اند؛ از جمله در نامه ای به یکی از فرمانداران خود نوشته اند: «فقد بلغني عنك امر إن كنت فعلته فقد أسخطت ربك و عصيت إمامك و أخزيت أمانتك. بلغني أنك جرّدت الأرض فأخذت ما تحت قدميك و اكلت ما تحت يدك فارفع إلى حسابك و اعلم أن الله أعظم من حساب الناس»؛ از تو خبری رسیده است که اگر چنان کرده باشی، پروردگارت را به خشم آورده ای و امام خود را نافرمانی و در امانت خیانت کرده ای. به من خبر رسیده که کشت زمین ها را برداشته ای و آنچه را که می توانستی گرفته، آنچه را در اختیار داشتی به خیانت خورده ای. پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت تر است. (غروی، ۱۳۷۷)

یکی از حقوق شهروندان، رفتار درست و انسانی با ایشان است. در دیدگاه امیر مؤمنان علی (ع) فرمانروایان و حاکمان، خادمان مردم هستند؛ چنانچه به درستی امور مردم را به انجام رسانند، به وظیفه خویش عمل نموده اند و هیچ گونه منّتی بر شهروندان ندارند. به علاوه، حاکمان وظیفه دارند با شهروندان مدارا کرده، با ایشان نرم خو باشند و پیوسته در رفع حوایج آنها بکوشند.

مولای متقیان (ع) در جای جای فرموده های خود بر چگونگی رفتار درست و انسانی رهبران در قبال شهروندان تأکید دارند. افزون بر آن، مدارا با مردم، ساده زیستی و پیروی از سیره نبوی، از فرمان های آن

حضرت به حاکمان است. مدارا کردن، آسان‌گیری و گذشت از خطاها از سفارش‌های اکید حضرت علی(ع) به والیان است. در بخشی از نامه آن حضرت به محمد بن ابی بکر آمده است: «با مردم فروتن باش. نرم خو، مهربان، گشاده‌رو و خندان باش. در نگاه و نیم نگاه و خیره شدن به مردم به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند.» برآوردن نیازهای به حق شهروندان از جمله دستورهای مولای متقیان (ع) به والیان است. ایشان در این مورد می‌فرمایند: «برآوردن نیازهای مردم پایدار نیست؛ مگر به سه چیز: کوچک شمردن آن تا خود بزرگ نماید، پنهان داشتن آن تا خود آشکار شود و شتاب در برآوردن آن تا گوارا باشد».

با وجود سفارش بسیار بر انجام امور مردم و برآوردن حاجات آنها، بر عدم تکبر و خودخواهی فرمانروایان هم تأکید شده است. از طرف دیگر، رفتار مردم در برابر مسئولان نیز نباید سبب خودخواهی گردد. ایشان در این مورد می‌فرمایند: «گاهی مردم ستودن افرادی را برای کار و تلاش روا می‌دانند؛ اما من از شما می‌خواهم که مرا با سخنان زیبای خود نستایید تا از عهده وظایفی که در برابر خدا و شما دارم، برآیم.» (همان منبع، ص ۱۸۷)

دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) درباره حقوق شهروندی

۱- پیام هشت ماده ای به قوه قضاییه

با جرأت می‌توان گفت که نخستین پیام حقوق بشر و شهروندی پس از انقلاب اسلامی، فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) بود که در بیست و چهارم آذرماه ۱۳۶۱ صادر شد. این فرمان که ۲۴ سال پیش خطاب به قوه قضاییه و همه ارگان‌های اجرایی صادر شده است، تأکیدی قاطع بر اصول قانون اساسی و حفظ و رعایت حقوق شهروندی است. امام خمینی (رحمت الله علیه) در واکنش به گزارش‌هایی که در این موضوع به ایشان رسید، طی فرمانی که به "فرمان ۸ ماده ای" مشهور شد، نکاتی را به قوه قضاییه و همه ارگان‌های اجرایی متذکر شدند. اموری را که حضرت امام در این فرمان مورد توجه قرار داده اند می‌توان به طور خلاصه به موارد زیر تقسیم کرد:

۱- تهیه قوانین شرعی و تصویب و ابلاغ آنها با دقت و سرعت لازم و در اولویت قرار دادن قوانین مربوط به مسایل قضایی که مورد ابتلای عموم است؛

۲- رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستان دادگاه‌ها و سایر مراجع قضایی؛

۳- صدور احکام اسلامی توسط قضات واجد شرایط اسلامی با استقلال و قدرت و بدون ملاحظه از هیچ مقامی؛

۴- تبعیت مأموران ابلاغ و اجرا و دیگر ضابطان امر قضا از احکام قضات اسلامی؛

- ۵- عمل به عدل اسلامی در سایر ارگان های نظام جمهوری اسلامی از مجلس، دولت و متعلقات آن، قوای نظامی، انتظامی، سپاه پاسداران، کمیته ها، بسیج و دیگر متصدیان امور و ممنوعیت ارگان های حکومتی در رفتار غیراسلامی با مردم؛
- ۶- ممنوعیت توقیف و احضار بدون حکم قاضی هرچند به مدت کوتاه؛ چنین عملی جرم و موجب تعزیر شرعی خواهد بود.
- ۷- ممنوعیت دخل و تصرف و توقیف و مصادره اموال منقول و غیرمنقول افراد بدون حکم حاکم شرع آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی.
- ۸- ممنوعیت افعال ذیل که جرم بوده و مستحق تعزیر شرعی خواهد بود:
- ۹- وارد شدن به خانه یا مغازه یا محل کار اشخاص بدون اذن صاحب آنها؛
- ۱۰- جلب، تعقیب، مراقبت، اهانت و اعمال غیرانسانی- اسلامی نسبت به دیگری به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه؛
- ۱۱- گوش کردن به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه
- ۱۲- شنود گذاشتن و تجسس از گناهان و دنبال اسرار دیگران بودن برای کشف گناه و جرم، هرچند گناه بزرگ باشد؛
- ۱۳- فاش کردن اسرار دیگران حتی برای یک نفر؛ (در ذیل این بند اشاره شده که تمام این موارد جرم و گناه بوده و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان، از کبایر بسیار بزرگ است و مرتکبان هریک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می باشد)؛
- *ممنوعیت های فوق در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه گروهک های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است
- *مأموران نباید خارج از حدود مأموریت که آن هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرر و جهات شرعیه عملی انجام دهند؛
- ۱۴- افشای آلات لهو و قمار و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدر نزد دیگران در مواردی که این وسایل از روی ورود خطا و اشتباه در منزل یا محل کار کسی کشف شوند و ممنوعیت جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن؛
- صدور حکم توسط قضات که به واسطه آن مأموران اجرا حق داشته باشند به منازل یا محل های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی و نه محل توطیه های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی است. صادر کننده و اجراکننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است؛

۲- انحلال هیئت‌های گزینشی

دستورات امام خمینی (رحمت الله علیه) به فرمان هشت ماده‌ای ختم نشد. ایشان پس از رسیدگی به گزارشی از فعالیت هیئت‌های گزینش در نهادها و مؤسسات حکومتی در مورد نحوه این گزینش‌ها خطاب به ستاد اجرایی فرمان هشت ماده‌ای، از دی ماه ۱۳۶۱ فرمان انحلال این هیئت‌ها را صادر نمودند و دستور دادند تا به جای این هیئت‌ها از افراد صالح و متعهد و عاقل و صاحب اخلاق کریمه و فاضل و متوجه به مسایل روز هیئت‌هایی تشکیل شود تا در گزینش افراد صالح، بدون ملاحظه روابط اقدام نمایند. ایشان در این فرمان متذکر شدند که میزان در گزینش، حال فعلی افراد است مگر در مورد گروهک‌ها و مفسدان و اخلال‌گران.

همچنین در ادامه این فرمان ایشان تأکید کردند که اگر کسانی با چنین گزینش‌هایی (که سوالات آن مورد خدشه جدی است و به هیچ وجه نمی‌تواند معیار گزینش افراد باشد و ندانستن آنها برای کسی اشکال و عیبی ندارد) از ادارات یا وزارتخانه‌ها یا دیگر مراکز اخراج شده‌اند یا بواسطه آن استخدام نشده‌اند شناسایی شوند تا به محل خود برای خدمت برگردانده شوند.

همچنین حضرت امام در تاریخ ۱۸ دی ۱۳۶۱ در جلسه‌ای با حضور اعضای ستاد مرکزی پیگیری فرمان هشت ماده‌ای بار دیگر علت انحلال هسته‌های گزینش را مورد توجه قرار دادند و ضمن تأکید بر حفظ حقوق شهروندان ورود دستگاه‌های دولتی به حیطه شخصی و خصوصی را، حتی به قصد گزینش افراد، ممنوع و چنین امر خطیری را به نام مکتب، خجالت آور عنوان نمودند. بنابراین همان طور که در دو فرمان مذکور که هر دو در سال ۶۱ صادر شده‌اند دیده می‌شود، اهمیت جایگاه شهروندان و حقوق آنان و ضرورت حفظ حریم خصوصی و شخصی افراد به درستی و دقت مورد توجه قرار گرفته است. اگر به ماهیت دو فرمان حضرت امام خمینی (ره) دقت کنیم. ایشان به صراحت اشاره می‌کنند که نمی‌توان به بهانه اسلام و انقلابی بودن، افراد را مورد تفتیش عقاید قرارداد و یا به هر بهانه، جلب، توقیف و بازداشت نموده و با رفتار غیرانسانی با آنها برخورد نمود. چنین حرکتی در ابتدای راه یک انقلاب که با رژیم قبل دارای تضاد آشکار ایدیولوژیک است آن هم از سوی رهبر فقید انقلاب اسلامی دارای اهمیت بسیار مهم و شایسته تحسین است.

تقسیم‌بندی انواع حقوق شهروندی در جامعه مدنی

براساس یک تقسیم‌بندی کلی، حقوق شهروندی شامل سه گونه؛ حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی است.

الف) حقوق مدنی، که در حقوق ایران با عنوان حقوق راجع به شخصیت نیز شناخته می‌شود، حقوق مربوط به حفظ ذات و عرض انسانی است. در یک اصطلاح دیگر به آن حقوق عمومی هم می‌گویند، زیرا پیش از هر چیز اعمال این حقوق به طرفیت دولت و نمایندگان دولت است تا افراد عادی.

حقوق مدنی خود شامل حقوق مربوط به آزادی، حقوق مربوط به مساوات و حقوق مربوط به مصونیت افراد می‌شود.

حقوق مربوط به آزادی شامل این موارد است:

۱- آزادی عملکرد فردی مانند آزادی انتخاب مسکن و محل سکونت، آزادی مکاتبات و آزادی رفت و آمد.

۲- آزادی اندیشه مانند آزادی عقیده، آزادی مذهب، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی آموزش و پرورش

۳- آزادی گردهمایی مانند آزادی تجمعات موقتی و آزادی سازمان پیوندی

۴- آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی مانند آزادی مالکیت، آزادی بازرگانی و صنعتی، آزادی کار و آزادی سندیکایی.

حقوق مربوط به مساوات شامل مساوات در مقابل قانون، مساوات در مقابل دادگاه‌ها، مساوات در پرداخت مالیات، مساوات از لحاظ اشتغال به مشاغل دولتی و مساوات در خدمت نظام وظیفه است.

ب) حقوق سیاسی گونه دوم حقوق شهروندی است. حقوق سیاسی حقوقی است که به موجب آن، شخص دارنده حق می‌تواند در حاکمیت ملی خود شرکت کند. مهم‌ترین حقوق سیاسی عبارتند از: حق شرکت در انتخابات، حق انتخاب شدن در مشاغل سیاسی، حق دارا بودن تابعیت.

ج) حقوق اجتماعی سومین نوع حقوق شهروندی است. این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، حقوق اجتماعی به خدمات رفاهی مربوط می‌شود.

این حقوق شامل:

* ۱- حمایت‌های مادی و درآمدی مانند تامین مسکن، تامین شغل، پرداخت حقوق و مزایای کافی، برخورداری از حداقل دستمزد، تامین اجتماعی (در صورت بیکاری، بیماری، از کار افتادگی، پیری، بی‌سرپرستی، حوادث و سوانح).

* ۲- برخورداری از آموزش و پرورش رایگان

* ۳- برخورداری از بهداشت و درمان، مانند برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی و برخورداری از بیمه‌های درمانی همگانی

* ۴- حمایت‌های قضایی، مانند حق برخورداری از وکیل و حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه. (رضایی پور، ۱۳۹۱)

دیدگاه‌های نظری درباره تأثیر وسائل ارتباط جمعی

دیدگاه‌های نظری درباره تأثیر وسائل ارتباط جمعی در بررسی مباحث نظری و آرای صاحب نظران ارتباط نشان می‌دهد که اثرات وسائل ارتباط جمعی بسیار متعدد و متنوع می‌باشد. بطوریکه نقد و بررسی این اثرات بسیار پیچیده است و حوزه تأثیر آن نیز قلمروی بسیار گسترده دارد. درباره نقش تأثیر وسایل ارتباط جمعی سه دیدگاه وجود دارد: - دیدگاه افراطی - دیدگاه تفریطی - دیدگاه بینابین (ساروخانی، ۱۳۷۸)

الف- دیدگاه افراطی طبق نظرات طرفداران این دیدگاه، وسائل ارتباط جمعی دارای چنان قدرتی هستند که می‌توانند نسلی تازه برای اولین بار در تاریخ انسان پدید آورند. نسلی که با نسل‌های پیشین بسیار متفاوت است. طرفداران این دیدگاه قدرت رادیو را با قدرت بمب اتمی مقایسه می‌کنند و معتقدند که وسائل ارتباط جمعی جدید ابزار نیرومندی هستند که می‌توان از آن‌ها در راه خیر یا شر با تأثیر شگرف سود بر گرفت. ژان کازنو در این باره می‌نویسد: این اندیشه در نظر مردم رواج یافت که وسائل ارتباط جمعی قدرتی فوق تصور دارند و می‌توانند افکار فلسفی و سیاسی را منقلب نموده و شکل تازه‌ای بدان بخشند و به اختیار، تمامی رفتارها را هدایت نمایند. این وعده بر سازوکارهایی چون (هدایت از راه دور)، (آدمک سازی)، (اثر بلع و بویژه تأثیر بازتاب‌های شرطی) تأکید می‌کنند و معتقدند که درونی کردن (هنجارها)، موجبات آشتی انسان را با خواست جامعه فراهم می‌آورد. در اینصورت انسان‌ها خود به عنوان عاملی در راه حراست از موارد، هنجارها و قوانین جامعه تجلی می‌کنند و وسائل ارتباط جمعی سریع؛ قدرتمند و مؤثر در راه تأمین این منظور هستند. بنابراین از طریق وسائل ارتباط جمعی می‌توان اخلاق اجتماعی را نزد جوانان با درونی کردن هنجارهای اخلاقی تقویت و تحکیم نمود.

ب- دیدگاه تفریطی طبق نظرات طرفداران این دیدگاه وسائل ارتباط جمعی تأثیر چندانی بر مخاطبین خود ندارد و دیگر دوران سلطه وسائل ارتباطی و با آن دوران رواج عقاید تند و اسناد اثرات جادویی و خارق العاده به وسائل ارتباط جمعی پایان یافته است. این عده معتقدند که وسائل ارتباط جمعی علیرغم تکنولوژی برتر که از آن استفاده می‌کنند، با موانع بسیاری در راه اثر گذاری بر دیگران مواجه اند.

پ- دیدگاه بینابین در مقابل این دو دیدگاه افراطی و تفریطی، دیدگاه سوم که بینابینی می‌باشد، نظر بر این دارد که باید پذیرفت که وسائل ارتباط جمعی، ابزاری اجتماعی- فرهنگی به معنای عالی آن هستند از این جهت اثرات چشم گیری بر جای می‌گذارند. اما این آثار نه آنچنان است که هیچ محدودیتی را نشناسد (دیدگاه افراطی) یا آنکه چنان ناچیز است که هیچ اعتنائی را شایسته نباشد. (دیدگاه تفریطی)، بلکه باید دید حدود تأثیر این وسائل چیست؟ و در چه شرایطی این تأثیرات محدودیت می‌یابند؟ و یا تقویت می‌شوند؟ به نظر می‌رسد که این دیدگاه سوم واقع بینانه تر باشد. ضمن اینکه نتایج تحقیقات انجام شده نیز مؤید همین مطلب دیدگاه است. تفاوت اینترنت و دیگر وسائل ارتباط جمعی اینترنت سه موقعیت تعاملی تامپسون «تعامل رودررو، تعامل رسانه‌ای، شبه تعامل رسانه‌ای» را تغییر داده است. اینترنت همه این سه موقعیت تعاملی را بوجود آورده و ویژگی‌های سازمانی و تعاملی آنرا تغییر داده. در مورد تعامل چهره به

چهره، «جیمز اسلوین با ارجاع به نظر شری تورکل بیان می کند» که مثلاً ممکن است دو نفر در یک اتاق در حال صحبت باشند و به طور همزمان با دوستی که در مکان دوری قرار دارد در حال گپ اینترنتی باشند و برای او پیام بفرستند. در مورد تعامل واسطه ای یا رسانه ای در اینترنت، محیط هایی مثل پست الکترونیکی یا گپ اینترنتی را در نظر گرفت که می توان ارتباط دو طرفه برقرار نمود؛ و شبه تعامل واسطه ای در اینترنت، انواع صفحات وب با این نوع ارتباطات انطباق بیشتری دارد. (همان منبع، ص ۸۸-۸۹)

ویژگی های محیط تعاملی اینترنت

الیزابت رایو ساختار شکنی مرزهای اجتماعی را از طریق اینترنت مورد بحث و بررسی قرار می دهد. وی با اشاره به نظریات (کیزلروسینگل و مک گوایور) در چهار عنصر متفاوت برای کنش متقابل در اینترنت نسبت به محیط واقعی وجود دارد : ۱- یک قاعده بازخورد غایب است ۱- ضعف نمایشی ۲- کمبود نشانه های پایگاه اجتماعی ۳- گمنامی اجتماعی. به همین دلیل آن ها به دنبال یک تعریف جدید از کنش متقابل هستند چرا که استفاده کنندگان مرزها و قراردادها را ساختار شکنی کرده اند.

راین گولد ارتباطات اینترنتی را معادل جوامع مجازی می داند، او می گوید وقتی در فضای واقعیت مجازی افرادی به حد کفایت با احساسی بسنده و به جا برای مدت کافی به این نوع ارتباطات تکیه کنند، جوامع مجازی که فقط از طریق صفحه نمایشگر رایانه قابل بررسی است ظهور می یابد. او می افزاید در اجتماعات مجازی افراد برای بحث و لطیفه، مشارکت و بحث های روشنفکری، انجام دادن معامله، مبادله دانش، حمایت های احساسی، برنامه ریزی، سخن چینی، عداوت، معاشقه، دوستی و قهر بازی، تولید هنر خلافتانه و بسیاری از امور دیگر از صفحه نمایشگر استفاده می کنند (امیدوار و همکاران، ۱۳۸۱).

درآمدی بر نظریه های ارتباط جمعی در زمینه اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی

پس محیط تعاملی اینترنت را می توان فضایی در نظر گرفت که کاربران به راحتی در آن به گفت و گو می پردازند که فضای صمیمیت و ابراز احساسات در محیط های تعاملی اینترنت شکل می گیرد که از یکدیگر تأثیر پذیرفته همچنین کاربران نیازهای خود را باهم مطرح کرده، در آن گروه ها مسائل و مشکلات خود را مطرح کنند و انرژی عاطفی خود را در این محیط ها مصرف نمایند که این تخلیه انرژی احتمالاً بر ارزش های خانواده و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر می تواند مؤثر واقع شود.

۱- نظریه کلی و ولخارت در مورد تأثیر گروه

کلی و ولخارت دریافتند افرادی که از انگیزه بالایی برای حفظ عضویت فرد در گروه برخوردارند، و بنابراین وابستگی بیشتری به تأیید دارند، بعید به نظر می رسد که ارتباطات و پیام هایی را قبول نمایند که نقطه مقابل هنجارها و ارزش های گروه هستند. فرد باید موافقت و تأیید را به دست آورد. در اینجا می توان

به پذیرش توسط گروه تعبیر کرد، یعنی این که اعضا هرچه بیشتر مورد پذیرش گروه قرار بگیرند، احتمال تأثیر پیام بر گروه بیشتر است. مناظره گروهی نسبت به سخنرانی‌ها از اثر بخشی دراز مدت در تغییر نگرش‌ها برخوردار است، همچنین اگر این مناظره گروهی به طور آزادانه برگزار شود تأثیر بیشتری در اثر بخشی به اعضا گروه خواهد داشت، بحث و مناظره آزاد در افکار و عقاید تغییر بیشتری به وجود می‌آورد. هرچه کاربر اینترنتی احساس کند که در محیط اینترنت بیشتر مورد پذیرش واقع می‌شود احتمالاً باعث خواهد شد که بر ارزش‌های خانواده و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر مؤثر واقع شود و همچنین هرچه کاربران بیشتر وارد بحث و مناظره گروهی شوند احتمالاً باعث مطرح کردن موضوعات خود با محیط‌های تعاملی اینترنت می‌شوند و کمتر مسائل خود را با خانواده مطرح می‌کنند و باعث کم اهمیت شدن ارزش‌های خانواده و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر نزد فرد می‌شود.

محیط‌های شبه تعاملی، به محیط‌هایی می‌گوییم که کاربر نمی‌تواند در آن محیط‌ها ارتباط دو طرفه برقرار کند، مثل انواع صفحات وب در اینترنت که جهت تأثیر این محیط‌ها بر ارزش‌های خانواده و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر از تئوری‌های ارتباط جمعی استفاده می‌شود که البته ممکن است برای محیط‌های تعاملی نیز بکار رود (پناباری، ۱۳۷۶).

۲- تئوری‌های ارتباط جمعی

والدهال از فرآوردن محتوای ارتباطی صحبت می‌کند، عاملی که احتمال تحویل اثرات را کاهش می‌دهد. او معتقد است که «اثرات دراز مدت بیش از اثرات کوتاه مدت مورد توجه قرار می‌گیرد» و یا به نوعی اگر از یک پیام به طور طولانی مدت استفاده شود تأثیر آن پیام بیشتر است. کلاپر علاوه بر تکرار پیام، مدت زمان پیام را نیز در نظر می‌گیرد تا برنامه بتواند بالاترین اثر ممکن را داشته باشد. از این دو نظریه هم می‌توان مدت زمان استفاده از اینترنت و هم طول مدت دسترسی به اینترنت و همچنین مداومت استفاده از اینترنت را (روزانه، هفتگی، ماهانه) به عنوان متغیرها مستقل جهت تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده به کار برد، چرا که هر کدام از این عوامل باعث کاهش روابط درون خانواده و در نهایت کاهش ارزش‌های خانواده می‌شود. پس در این جا آن چه نقش مهمی را بازی می‌کند طول مدت دسترسی به اینترنت است. همچنین از این نظریه از میزان استفاده از اینترنت می‌توان استفاده کرد، بدین گونه که هرچه از اینترنت بیشتر استفاده کنیم این میزان استفاده احتمالاً باعث کم شدن ارتباط با خانواده می‌شود و این منجر به کاهش ارزش‌های خانواده نزد فرد می‌شود.

دی فلور و بال روکیچ در الگوی خویش درباره وابستگی به رسانه‌ها براین باورند که شرط مهم برای بروز اثرات، میزان وابستگی به بعضی رسانه‌های ارتباطی است، مجرای که مردم برای به دست آوردن اطلاعات مهم نسبت به آن احساس وابستگی می‌کنند، توان بیشتری برای ایجاد اثرات دارد، تا مجرای که تفاوتی با مجاری دیگر ندارد و اطلاعاتی که فراهم می‌کند فاقد اهمیت است. با کمک این نظریه می‌توان وابستگی

به اینترنت را مطرح کرد، بدین صورت که کاربر اینترنتی با وابسته شدن به اینترنت فرصت کمتری برای پرداختن به خانواده دارد و این ممکن است باعث کم اهمیت شدن خانواده نزد کاربر اینترنتی و در نتیجه کاهش ارزش ها و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر شود (کوهن، ۱۳۷۸).

فعالیت های ارتباطی و حقوق شهروندی

حریم خصوصی می تواند حریم خصوصی اطلاعاتی و فیزیکی باشد اسمیت^۴ (۱۹۹۴، ص ۱۸۸) در حالی که اکثر موضوعات بعدی در زمینه رسانه است و در رابطه با حریم خصوصی اطلاعات با توجه به دستیابی نامناسب به اطلاعات قابل شناسایی در مورد یک فرد است.

آزادی بیان (که اغلب آزادی کلمه نامیده می شود) و آزادی مطبوعات بسیار مربوط و وابسته به هم هستند و هر دو در بند ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده اند که شرح داده شده است که هر فردی باید آزادی حفظ عقایدش را بدون دخالت داشته باشد و بتواند از طریق رسانه و بدون محدودیت، نظرات و اطلاعات را جست و جو و دریافت کند و از آن بهره مند شود.

حریم خصوصی از یک طرف و آزادی بیان و مطبوعات از طرف دیگر هر دو از قوانین بنیادی هستند اما اغلب در تضاد با یکدیگرند.

با پوشش رسانه ای زندگی های شخصی، توهین و تهمت و افتراست که امکان برخورد قانونی وجود دارد لوکو^۵ ۲۰۰۴ به این نتیجه رسیده است که تطبیق دادن قوانین اخبار خصوصی با یک بیان کاملاً آزاد، مشکل است اما باید خاطر نشان کرد که حریم خصوصی و آزادی بیان یقیناً حقوق به هم پیوسته ای هستند و شدیداً به یکدیگر وابسته اند.

حتی با این وجود حقوق بشر جهانی، حریم خصوصی، آزادی بیان و آزادی مطبوعات در محیط های مختلف اجتماعی و قوانین ملی اشکال مختلفی دارد. آزادی بیان در بسیاری از کشورها توسط عوامل متعدد فشار که شامل قانون گفتار کینه جو، قوانین ضد آشوب و قوانینی که برای حمایت از ارزش های اخلاقی و مذهبی هستند، محدود شده است. (شاخص آزادی مطبوعات ۲۰۱۰). هدف از این محدودیت های آزادی بیان از کشوری به کشوری دیگر فرق می کند. برای مثال انکار هولوکاست که در اسرائیل، آلمان و برخی کشورهای اروپایی غیرقانونی است لوچتولزی^۶ (۲۰۱۰) که تحت حمایت لایحه نخست در ایالات متحده است.

اهمیت و شناخت حریم خصوصی و قوانین مربوطه در جوامع مختلف بسیار متفاوت است برخی محققان به این نتیجه رسیده اند که این موضوع کلی ترین مفهوم رایج را در جوامع غربی دارد. برای مثال اولینگر^۷

4. smit

5. Loco

6. lochtholzey

7. Olinger

بریتز^۸ و اولیور^۹ اظهار داشته‌اند که در فلسفه زندگی اوبونتو آفریقای جنوبی، حریم خصوصی، نقش نسبتاً کمی را ایفا می‌کند. در سال ۲۰۰۵ نیز کیدیسای^{۱۱} نوشته است که مفهوم غربی حریم خصوصی به عنوان یک اصل در جامعه تایلندی قابل اجرا نیست علاوه بر اینکه در تایلند مفهوم حریم خصوصی اساساً مثل تمایل غربی‌ها به تظاهر فردی، جامع نیست.

جارویس^{۱۲} اما (۲۰۱۰) خاطرنشان کرده است که مفاهیم حریم خصوصی حتی در بین فرهنگ‌های غربی همچون آلمان و ایالات متحده آمریکا متفاوت است. در قانون، این طبقه‌بندی می‌تواند در اختلاف میان مفاهیم حقوق عرفی در انگلستان و مستعمرات سابقش و حقوق مدنی در قاره اروپا دیده شود. شناخت غربی یکسانی از حریم خصوصی وجود ندارد. توازنی که بین حریم خصوصی و آزادی بیان وجود دارد در میان کشورها و جوامع مختلف متفاوت است (موسوی، ۱۳۸۹).

تأثیر رسانه‌های جدید بر حریم خصوصی و آزادی بیان

با برتری رو به رشد رسانه نو، به سختی می‌توان میان آزادی بیان و حریم خصوصی توازن برقرار کرد. تکنولوژی‌های جدید، اساساً ایجاد، پخش و دسترسی به مندرجات رسانه را تغییر داده و سوالات جدیدی را در خصوص دسته‌بندی و طرز کار کارکنان در رسانه به وجود آورده است. این بخش دسترسی توسعه یافته تکنولوژی ضبط و دسترسی بیشتر ابزار چاپ و نشر را روشن خواهد کرد و همچنین مرز بین تولید کنندگان و مصرف کنندگان محتوای رسانه را که در حال محو شدن است، مورد بررسی قرار می‌دهد.

در سه دهه گذشته افزایش وسیع ابزارهای تولید رسانه حرفه‌یی را شاهد بوده ایم که برای افراد آماتور و غیرحرفه‌یی کار را آسان کرده است. از دهه ۱۹۸۰، کامپیوترهای شخصی (pc) به سرعت هم ارزان تر و هم قوی تر شدند. آنها ابزار اصلی برای تولید متن و همچنین انجام با مهارت عکس و فیلم را فراهم کردند که می‌توانند توسط افراد آماتور برای ارائه محتوای رسانه‌یی مورد استفاده قرار گیرند. اخیراً ابزارهای ثبت و ضبط مثل عکس دیجیتال و دوربین‌های ویدیویی مرسوم شده اند که به بازار پهناور مصرف کننده کمک می‌کند و به افراد غیرحرفه‌یی این امکان را می‌دهد که محتوای چند رسانه‌یی را در سطح تقریباً حرفه‌یی ارائه دهند.

امروزه وجود دوربین‌ها، به خصوص دوربین‌های موبایل، ابزارهایی هستند که توسط افراد غیرحرفه‌یی به جای روزنامه نگارهای حرفه‌یی زودتر رویدادها را ثبت و ضبط می‌کنند. در حال حاضر رسانه‌های خبری مکرراً از تصاویر و ویدیوهای گرفته شده توسط غیرحرفه‌یی‌ها در گزارشات شان استفاده می‌کنند.

8. Britz

9. Oliver

10. ubuntu

11. Kitiyadisai

12. Jarvis

با ظهور رسانه جمعی در اوایل قرن ۲۱ ابزاری برای انتشار، برای افراد بسیاری در جامعه در دسترس قرار گرفت. هزینه انتشار تقریباً به صفر کاهش یافت و میزان دانش فنی مورد نیاز برای این کار نیز بسیار کاهش یافت. شرکی^{۱۳} (۲۰۰۸) این تغییر و دگرگونی را که با وجود این ابزارهای نشر به وجود آمده‌اند به عنوان نمونه توضیح داده است که حول این مفهوم می‌چرخد: «فیلتر، سپس انتشار» به نوعی برای پخش رسانه‌ای «انتشار سپس فیلتر» دسترسی به این تکنولوژی‌های قابل دسترسی و آماده منجر به افزایش و تنوع ناشران و تولید کنندگان رسانه می‌شود. امروزه با اشتراک گذاری ویدئو، عکس، بلاگ و میکرو بلاگ ها، صداها میلیون کاربر فعال، چندین برابر بیشتر از خبرنگاران حرفه‌ای وجود دارد (ویندال و همکاران، ۱۳۷۶).

رشد فزاینده رسانه جمعی با محورهای میان تولید کنندگان و مصرف کنندگان رسانه، همراه است لیسینگ^{۱۴} در سال ۲۰۰۲، دگرگونی از فرهنگ تکخوانی در صرفه جویی اطلاعات صنعتی به یک فرهنگ نوشتاری / خواندنی در صرفه جویی اطلاعات دیجیتال را شرح داده است. او این فرضیه را بر مبنای مشاهداتی قرار داده است که تعداد رو به رشد مردم سهم در رسانه به عنوان تولید کننده و مصرف کننده روندی که در نو واژه‌ها (واژه‌های جدید) به عنوان **prosumer** نامیده می‌شود. هدف از این تغییرات، لیسینگ در دفاع از این ادعا که «خواندن و نوشتن فعالیت‌های مشتری هستند» اظهار داشته است که اساساً نویسنده و خواننده، با هم ادغام شده‌اند. این موضوع به طور موثر به این معناست که آزادی مطبوعات متمایز از آزادی بیان نیست.

رسانه جمعی عمق تغییرات در مفهوم نویسندگی را که پیامدهای حقوقی دارند، نشان می‌دهد «شرکی» در سال ۲۰۰۸ ضرورت روش‌های شناخته شده پیشین را از تالیف جمعی گفته است. این موضوع در «ویکی پدیا» آورده شده است که فرد مولف مقاله‌ها، مشخص نیست. برخی منابع مثل **chan ۴** فقط برای همکاری‌های «بی نام» اعطا می‌شوند. تغییرات در مفهوم تالیف در محبوبیت جواز آزاد مثل «اشتراکات خلاقانه»^{۱۵} نیز آشکار شده است که مولفان برای سلب مسئولیت از خودشان از قانون کپی رایت یا حق چاپ استفاده می‌کنند.

رسانه نو و به خصوص رسانه جمعی، چاپ و نشر بدون نام را آسان کرده است در حالی که در همان جا امکان گمنامی مطلق در اینترنت، بحث و جدل وجود داشته است، معانی و اهدافی برای شناخت یک نویسنده کاملاً ناآشنا وجود دارد. بسیاری از منابع رسانه جمعی مثل **Wordpress**، **Blogger**، **Google**، **Com** و **Twitter** کاربران نیازی ندارند تا نام‌های واقعی شان را بدانند. ابزارهای گمنامی مثل **TOR** و سیستم‌های پیشرفته برای دورزدن سانسور، کاربران اینترنت را قادر می‌سازد تا ردپای دیجیتالی مبهمی را از خود به جا بگذارند، حتی برای افراد آماتور هم امکان اینکه بدون نام آنلاین شوند نیز وجود دارد.

13. shirky

14. Lessin

15. creative commons

اساساً خصوصیت جهانی اهداف اینترنتی این است که انتشار اخبار بدون مرز در عصر دیجیتال به یک اصل قانونی تبدیل شود. در حقیقت این کار تلاش‌های زیادی را برای محدود کردن انتشار به یک ناحیه معین می‌خواهد.

با ظهور محیط‌های اطلاعاتی شبکه‌ای، تعادل میان حریم خصوصی و آزادی بیان با توجه به اینکه در عصر بخش انبوه رشد یافته، دشوار شده است. خبرنگاران حرفه‌ای نقش خودشان را به عنوان تولید کنندگان و انتقال دهندگان خبر از دست داده اند. با توجه به اینکه عوامل جدیدی وارد این عرصه شده‌اند و تکنولوژی‌های جدید، اهمیت دسترسی به رسانه را نشان داده اند. عوامل تنظیم کننده فعلی به کمک و دفاع از حریم خصوصی آمده اند تا از عهده این توسعه برآیند، برای قوانین جدید و اهداف پیشرفته قوانین به کار گرفته شده اند با این حال ممکن است این واکنش‌ها، آزادی بیان را در خطر محدودیت بیش از پیش قرار دهد. (جوناس و همکاران، ۱۳۹۳)

چالش‌های قانونی برای فعالیت‌های ارتباطی در شبکه‌های مجازی

چالش‌هایی برای قوانین رسانه‌ای برخاسته از پدیده رسانه نو پدیده چشم انداز رسانه‌ای دیجیتال شبکه جهانی، برای تغییرات در سیاست رسانه‌ای مربوط به حریم خصوصی و آزادی بیان فعالیت می‌کند. به خصوص دسترسی اینترنتی فراتر از مرزها، قانون رسانه‌ای موجود را که بر مبنای اجرای قوانین ملی است با مشکلاتی مواجه می‌کند. تعداد بسیار زیاد تولید کنندگان رسانه مفهوم نوشتن را تغییر می‌دهد و امکان انتشار بی نام و نشان، به طور موثر برای فرار از اینکه چه کسی تنظیم کرده را به وجود آورده است. در چشم انداز رویه رشد رسانه جهانی که نشریات فراتر از مرزها به طور معمول قابل دسترسی هستند، باید قانون رسانه‌ای قابل اجرایی قلمروش را فراتر از کشور گسترش دهد. سه روش ممکن در مورد قوانین رسانه در عصر اینترنت، شاید، همگام سازی قانون، قراردادهای دو یا چندجانبه و تمهیدات محدود کننده ملی باشد.

همگام سازی بین المللی قانون، به خلق استانداردهای حقوقی مورد تاییدی که موجب اختلال فرامرزی می‌شود، کمک می‌کند. تلاش‌هایی برای همگام سازی قوانین بین المللی اینترنتی، به خصوص در رابطه با کپی رایت صورت گرفته است. ایالات متحده و بریتانیا و یکسری از کشورهای دیگر پیمان تجارت علیه جعل ACTA (هیأت اروپایی) را گسترش داده اند که برای نخستین بار سطح کمی از همگام سازی و شفافیت را برای قوانین کاربردی برای تخلفات در اینترنت به وجود آوردند (اتحادیه اروپا ۲۰۱۰). همگام سازی جهانی قانون در رابطه با حریم خصوصی و آزادی بیان با وجود تفاوت‌های موجود در بین سیستم کشورهای مختلف، غیرممکن به نظر می‌رسد (قربانزاده، ۱۳۸۵).

پیمان های دو و چندجانبه به همگام شدن قوانین ملی مختلف کمک می کند. برخی معاهدات در رابطه با اینترنت از قبل وجود داشته اند به خصوص از جانب ایالات متحده و اتحادیه اروپا هدف مشترک در این معاهدات، تضمین عملی خدمات اینترنتی در کشورهای دیگر با وجود قوانین مختلف است.

پیمان پناهندگی مطمئن میان ایالات متحده و بریتانیا، به این گروه ها، این امکان را می دهد تا به صورت قانونی، اطلاعات شخصی در مورد شهروندان بریتانیایی به ایالات متحده بدهند، تحت شرایطی که مطابق با استانداردهای اروپایی از حریم خصوصی حمایت شود. هرچند هنوز هم در رابطه با ارتباط حریم خصوصی و آزادی بیان پیمان بین المللی وجود ندارد. برخی کشورها از چندین برنامه سانسور برای محدود کردن محتوای اینترنتی خارجی استفاده می کنند که قوانین داخلی شان را متزلزل می کند.

تعداد زیاد تولید کنندگان خبر و بی نام و نشان بودن بسیار گسترده آنها، این سوال را به وجود می آورد که چه کسی برای تخلفات آنلاین، مسوول است. پیشنهاد شده است تولید کنندگان خدمات اینترنتی را نگه دارند و متصدیان آن برای فعالیت های کاربران و مشتریان مسوول باشند. همچنین پیشنهاد شده است که شناسایی نام واقعی از کاربران اینترنت در جهت تقلیل یافتن نام مستعار لازم باشد. (رانوم،^{۱۶} ۲۰۱۰ به نقل از امیدوار و همکاران، ۱۳۸۱)

مسئولیت هایی برای تولید کنندگان خدمات اینترنتی و متصدیان آن در چندین کشور برای مندرجات شان وجود دارد که اساسا حکومت ها آی اس پی های مخرب و اخطار دهنده به آن نیاز دارند تا بعد از اخطار، مضامینی را که از قوانین شان تعدی کرده اند، حذف کنند. شکل گیری گسترده تر مسئولیت شخص ثالث، باید شامل قوانینی برای کنترل شخص ثالث پیش از انتشار باشد که بسیاری از پایه های رسانه جمعی که به کاربران امکان انتشار مضامینی مثل مطلب، عکس و ویدیو را می دهند، اساسا غیرممکن می سازد. در آلمان، احکام قانونی ضد این موضوع وجود دارد.

برای متوقف کردن سلب مسئولیت شخص ثالث ها پیشنهاد شده است که آنلاین شدن به صورت بی نام را متوقف کنند و کاربران با استفاده از کارت شناسایی وارد سیستم شوند. یک هدف مشابه برای حفظ اطلاعات اتخاذ شده است که ذخیره سازی آدرس های اینترنتی را که می تواند برای ردیابی کاربران اینترنتی مورد استفاده قرار گیرد، انجام می دهد. هرچند قوانین حفظ اطلاعات داخلی در آلمان، رومانی و بلغارستان برخلاف قانون اساسی است. شنیر^{۱۷} (۲۰۱۰) دلیل آورده است که «کار کردن با اینترنت بدون اسم مستعار بسیار مشکل است» و مستلزم مراقبت بسیار زیادی است. او به این نتیجه رسیده است که «تفکرات قدیمی تعیین هویت در اینترنت موثر واقع نمی شود» (امیدوار و همکاران، ۱۳۸۱).

روش مشابهی که در عصر چاپ انجام گرفته است، محدودیت سنگین آزادی بیان است. طبق نظریه فلدمن^{۱۸} همواره در آلمان، حرف در مورد ضد تبعیض بوده است، جایی که روش حکومتی، حریم

16. Ranum
17. Schneirer
18. Feldman

خصوصی را در قالب محدود کردن بیان عقایدشان محدود کرده است که به نظر می‌رسد در تضاد با تعهدات قانونی آزادی بیان خودشان است. مالکان خدمات اینترنتی و متصدیان آن، مسؤول مندرجات شخص ثالث هستند و با نادیده گرفتن نام‌های مستعار، فقط این شرایط را بدتر می‌کنند (اسلوین، ۱۳۸۰).

نتیجه‌گیری:

امروزه آزادی بیان بصورت گسترده‌ای یکی از حقوق بشر و حقوق شهروندی افراد تلقی می‌شود؛ بدین معنی که انسان‌ها «بخاطر انسان بودنشان» حق آزادی بیان دارند. بصورت تاریخی مفهوم حقوق بشر ریشه در مفهوم «حقوق طبیعی» دارد که خود تکامل یافته مفهوم «قوانین طبیعی» است. قوانین طبیعی مجموعه‌ای از اصول و قوانین رفتاری مناسب تصور می‌شدند که وجودی ذاتی و طبیعی برای آنها فرض می‌شد و معمولاً مشروعیت خود را از آنکه توسط خدا، و نه انسان‌ها، وضع شده‌اند کسب می‌کردند. این مفهوم در شکل تکامل یافته‌اش به مفهوم «حقوق طبیعی» بدل می‌شود که حقوقی برای انسان‌ها بدلیل وجود قوانین طبیعی ایجاد می‌کند. مثلاً جان لاک معتقد بود که قوانین طبیعی خدا ایجاب می‌کند که هیچکس به حیات، سلامتی، اموال و آزادی دیگران تجاوز نکند و بنابراین این «حق طبیعی» هر انسانی است که کسی به حیات، اموال یا آزادی‌های او تجاوز نکند. با توجه به تاکید فقه اسلامی بر حقوق مدنی شهروندان و علی‌الخصوص آزادی بیان در جامعه به نظر می‌رسد این موضوع یکی از مهمترین حقوق هر شهروند در جامعه اسلامی باشد.

امروزه ورود فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی شکل جدیدی به اجتماعات بشری داده است و جوامع را از شکل سنتی به سوی شبکه‌های وب کشانده است و آنان در فضای وب به تبادل اطلاعات می‌پردازند. در حقیقت شهرهای امروزی در راهروی فیبرهای نوری ساخته می‌شود و شکل جدیدی را تحت عنوان شهرهای مجازی پدید می‌آورند. از حیاتی‌ترین نیازهای بشر امنیت فردی و اجتماعی و حفظ حیثیت افراد در تمامی ملل است که به عنوان یک اصل مسلم در روابط اجتماعی پذیرفته شده است. امنیت شخصی و مصون ماندن زندگی انسان‌ها از تعرض به ویژه مصون ماندن حریم خصوصی ایشان از لوازمات و مقدمات حیات جمعی و کار و تلاش در عرصه اجتماع و دوام آنها می‌باشد.

چالش اصلی برای قانون رسانه، توازن برقرار کردن میان حفاظت از حریم خصوصی و آزادی بیان است. ممکن است با وجود تغییراتی که معنا و مفهوم این مضامین به همراه دارد، برای اینکه یک قانون رسانه‌یی را برای محیط اطلاعات شبکه‌یی تدوین کنیم، باز هم به مذاکره مجدد روی آوریم.

امروزه آنچه در شبکه‌های اجتماعی روی می‌دهد به معنی آمیزش امر محلی و جهانی است. شبکه‌های اجتماعی به منزله‌ی تلاقی‌گاه فضای جهانی شده و مکان هویت‌ها هستند معمولاً شبکه‌های اجتماعی ابزارها و امکاناتی را در اختیار کاربران خود قرار می‌دهند تا آنها بتوانند تصاویر و ویدیوهای خویش را در صفحه شخصی خود قرار دهند. همین‌طور کاربران می‌توانند اطلاعات شخصی خود را نیز در این شبکه‌ها قرار

دهند. در اغلب شبکه‌های اجتماعی برای حفظ حریم خصوصی افراد راه کارهایی ارائه شده است، ولی این راهها کافی نیستند، مشکلاتی از قبیل ساخت پروفایل‌های تقلبی در شبکه‌های اجتماعی و عدم امکان کنترل آنها به دلیل حجم بالای این هرزنامه‌ها باعث می‌شود که افرادی با پروفایل‌های تقلبی به شبکه‌های اجتماعی وارد شوند و با ورود به حریم‌های خصوصی افراد مورد نظر، تصاویر و اطلاعات آنها را به سرقت برده و شروع به پخش تصاویر در اینترنت کنند. پر واضح است که بیشتر قربانیان نقض حریم خصوصی، زنان هستند. گزارش‌های زیادی در این مورد وجود دارد که نشان می‌دهد زنان در شبکه‌های اجتماعی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند و در معرض آزار و اذیت‌های زیادی قرار می‌گیرند.

حال رضد فعالیت‌های ارتباطی. کاربران در فضاهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی موضوعی است قابل بحث که قانونا در حال انجام است. سازمان تنظیم مقررات وزارت ارتباطات نظارت کاملی بر تمام شبکه‌های اجتماعی داشته که در این میان با منتشرکنندگان محتواهای غیراخلاقی و شبکه‌هایی که به انتشار مسائل امنیتی اقدام می‌کنند برخورد می‌کند.

در پایان می‌توان گفت که شبکه‌های اجتماعی برای ما ترکیبی طلایی از فرصت‌ها و چالش‌هاست که تنها راه موفقیت فرهنگی در این پدیده‌ی مجازی، شناخت هر چه بیشتر این پدیده در جهت اخذ استراتژی ویژه و تغییر سیاست‌ها در قبال این حوزه، مطابق با آن استراتژی، است.

فهرست منابع و مآخذ

- استیون، وایت (۱۳۸۰)، خرد، عدالت و نوگرایی، ترجمه محمد حریری اکبری، تهران: قطره.
- آزاد ارمکی، تقی و یحیی امامی (۱۳۸۳)، تکوین حوزه عمومی و گفت و گوی عقلانی، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۱.
- اسلوین، جیمز (۱۳۸۰)، اینترنت و جامعه، ترجمه عباس گلیگوری، تهران: کتابدار.
- امیدوار، احمدعلی و صارمی، علی اکبر (۱۳۸۱)، اعتیاد به اینترنت: توصیف، سبب شناسی، پیشگیری، درمان و مقیاس‌های سنجش اختلال اعتیاد به اینترنت، مرکز مشاوره و خدمات روان شناختی پردیس، مشهد: تمرین.
- پیوزی، مایکل (۱۳۷۹)، یورگن هابرماس، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس.
- پنازباری اعظم (۱۳۷۶)، ماهواره، ارتباط مستقیم و ترویج مصرف گرایی، فصلنامه فرهنگ عمومی شماره ۱۱ – ۱۰ بهار و تابستان ۷۶.
- جان. ب. تامپسون (۱۳۸۰)، رسانه ها و مدرنیته، ترجمه مسعود اوحدی، سروش، تهران.
- جوناس حدلیچ، سایمون، ماستویرو، بروس (۱۳۹۳) چالش‌هایی برای قانون رسانه، حریم خصوصی، آزادی بیان و آزادی مطبوعات، مترجم: آیدا محمدی، مجید فدایی، روزنامه اعتماد، شماره ۳۱۴۳ ۹۳/۱۰/۱۰ برگرفته از سایت مگیران.
- رضایی پور، آرزو (۱۳۹۱)، مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، چاپ اول، تهران: انتشارات آریان.
- ساعتچی، محمود (۱۳۷۷)، نظریه پردازان و نظریه ها در روانشناسی، تهران: انتشارات سخن.
- سارو خانی باقر (۱۳۷۸)، جامعه شناسی ارتباطات، انتشار اطلاعات، تهران چاپ دوم.
- غروی، سید محمد جواد (۱۳۷۷)، مبانی حقوق در اسلام، نشر جهاد دانشگاهی.
- قربانزاده، حسین، (۱۳۸۵) «حفظ حقوق شهروندی در پرتو اصول حاکم برداردسی منصفانه»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه امام صادق.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱)، مقدمه علم حقوق، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- کازنو، ژان (۱۳۷۲)، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- کوهن، آرتور، (۱۳۷۸)، تغییر نگرش و تأثیر اجتماعی، ترجمه علیرضا کلدی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- مک کوئیل، دنیس (۱۳۸۲)، درآمدی بر نظریه های ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجالالی، تهران، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. چاپ اول.

- مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۰)، نظریه‌های ارتباطات جمعی، تهران، جزوه درسی دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی.
- موسوی، سید یعقوب (۱۳۸۹)، «تحول حقوق شهروندی به سوی تأمین انتظام شهری»، فصلنامه دانش انتظامی، سال سوم، شماره ۹، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- ویندال، سون و همکاران (۱۳۷۶)، کاربرد نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: مرکز مطالعات تحقیقات و رسانه‌ها.

- Duran, Maria (2003). Internet Addiction Disorder. AllPSych Journal: 2.
- Ferriis, Jennifer (2002). Internet Addiction Disorder: Causes, Symptoms and Consequenses. Psychology Virginia Tech, Jferris@ vt. edu: 3 .

